## مهاجرت چگونه آمریکا را دو دسته کرد؟

مهاجرت یکی از مسائل مهم و حساس در سیاست داخلی آمریکاست که به‌شدت بر شکل‌گیری دوقطبی در این کشور تأثیر گذاشته است. این مسئله، به‌ویژه در سال‌های اخیر، تبدیل به یکی از مباحث داغ سیاسی شده است و اختلافات شدیدی در مورد نحوه مدیریت مهاجرت، تاثیرات آن بر اقتصاد و فرهنگ، و سیاست‌های مرتبط با آن به وجود آمده است. جناح‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در آمریکا نظرات متفاوتی درباره مهاجرت دارند که این تفاوت‌ها باعث ایجاد شکاف‌های عمیق در جامعه شده است.

### دیدگاه‌ها و سیاست‌های مهاجرتی

یکی از اصلی‌ترین علل دوقطبی شدن در آمریکا، دیدگاه‌های متضاد درباره مهاجرت است. این اختلافات به‌ویژه میان دو جناح سیاسی اصلی یعنی جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها مشاهده می‌شود.

### حامیان مهاجرت و سیاست‌های باز

جناح‌های چپ‌گرا و دموکرات‌ها معمولاً از مهاجرت حمایت می‌کنند و آن را به عنوان یک فرصت برای تنوع فرهنگی، نیروی کار جدید و تقویت اقتصاد کشور می‌بینند. بسیاری از دموکرات‌ها از برنامه عدم اخراج کودکان مهاجر و مسیر شهروندی برای مهاجران غیرقانونی حمایت می‌کنند. آن‌ها معتقدند که مهاجران به ویژه در صنایع مختلف از جمله کشاورزی، خدمات بهداشتی و ساخت‌وساز به اقتصاد آمریکا کمک می‌کنند و این برنامه‌ها باید به گونه‌ای باشد که مهاجران غیرقانونی بتوانند شرایطی برای اقامت قانونی به دست آورند.

### مخالفان مهاجرت

در مقابل، جناح‌های راست‌گرا و جمهوری‌خواهان به شدت مخالف مهاجرت بی‌رویه هستند و عمدتاً بر ضرورت کنترل مرزها و محدود کردن ورود مهاجران تأکید دارند. برای مثال، دولت ترامپ در دوره ریاست‌جمهوری خود با اجرای سیاست‌هایی مانند دیوار مرزی با مکزیک و محدودیت‌های سختگیرانه برای پذیرش پناهجویان به شدت با مهاجرت مخالف بود. این سیاست‌ها با واکنش‌های مختلفی مواجه شد، به طوری که بسیاری از جمهوری‌خواهان بر این باور بودند که این اقدامات برای امنیت ملی و رفاه مردم آمریکا ضروری است، در حالی که دموکرات‌ها آنها را غیرانسانی و تبعیض‌آمیز می‌دانستند.

### مهاجرت و رقابت‌های اقتصادی

یکی دیگر از ابعاد دوقطبی شدن موضوع مهاجرت، رقابت‌های اقتصادی میان مهاجران و شهروندان آمریکایی است. بسیاری از مخالفان مهاجرت بر این باور هستند که مهاجران باعث کاهش دستمزدها و افزایش رقابت در بازار کار می‌شوند.

## کاهش اعتماد در پرتو فضای دوقطبی آمریکا

در پنجاه سال گذشته، اعتماد به بیشتر نهادهای سیاسی و غیرسیاسی آمریکا، به‌شدت کاهش یافته است. کاهش اعتماد تا حدی، نتیجه نارضایتی از پاسخگویی دولتی و بدبینی همزمان در مورد شایستگی آنهاست. جمهوری‌خواهان به تجارت، پلیس، مذهب و ارتش، بسیار بیشتر از دمکرات‌ها اعتماد دارند و این در حالی است که اعتماد دمکرات‌ها به این نهادها به جز ارتش، کاهش یافته است. به نوبه‌خود، دمکرات‌ها به کارگران، مطبوعات، علوم، آموزش عالی و مدارس دولتی بسیار بیشتر از جمهوری‌خواهان اعتماد دارند. / رضا دعاگوی روزبهانی؛ پژوهشگر مرکز مطالعات آمریکا

# ۱۲ مسئله مورد اختلاف در آمریکا

## جامعه آمریکایی در بخشی از مسائل عمومی با اختلافات شدیدی روبه‌روست

**دوقطبی شدن سیاسی و اجتماعی در آمریکا طی دهه‌های اخیر شدت گرفته و تقریباً تمامی جنبه‌های زندگی آمریکایی‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. این شکاف‌ها نه تنها در سیاست، بلکه در فرهنگ، رسانه، اقتصاد و حتی تعاملات اجتماعی نیز قابل مشاهده‌اند. مهم‌ترین موضوعاتی را که به افزایش این دوقطبی در آمریکا منجر شده‌اند می‌توان از خلال مباحث و گزارش‌های روز آمریکا مشاهده کرد. برخی از این موضوعات در این بخش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.**

### سیاست‌های مهاجرتی

مهاجرت یکی از موضوعاتی است که به‌شدت باعث شکاف در آمریکا شده است. در حالی که دموکرات‌ها معمولاً از سیاست‌های مهاجرتی بازتر حمایت می‌کنند، جمهوری‌خواهان سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تری را ترجیح می‌دهند.

**نمونه‌ها**

سیاست ترامپ درباره دیوار مرزی: ترامپ با وعده ساخت دیوار در مرز مکزیک، سیاست‌های ضدمهاجرتی را به اولویت اصلی خود تبدیل کرد که باعث اختلافات شدید شد.

**برنامه DACA:** دمکرات‌ها از این برنامه که به مهاجران غیرقانونی که در کودکی به آمریکا آورده شده‌اند اجازه اقامت می‌دهد، حمایت می‌کنند، اما بسیاری از جمهوری‌خواهان مخالف آن هستند.

### ایدئولوژی‌های سیاسی و حزبی

یکی از اصلی‌ترین دلایل دوقطبی شدن در آمریکا، شکاف بین دو حزب دمکرات‌ها و جمهوری‌خواهان است. این دو حزب در موضوعاتی مانند مالیات، مقررات اقتصادی، سیاست خارجی و عدالت اجتماعی دیدگاه‌های کاملاً متفاوتی دارند. با گذشت زمان، این اختلافات شدیدتر شده و باعث شده بسیاری از مردم دیدگاه‌های سیاسی خود را به‌عنوان بخشی از هویت شخصی خود در نظر بگیرند. در واقع آمریکا از جهات مختلف دچار دوقطبی شده است، و این مسئله تأثیرات عمیقی بر سیاست، جامعه و اقتصاد این کشور گذاشته است. هرچند آمریکا در مواردی توانسته است از بحران‌های سیاسی و اجتماعی عبور کند، اما حل این شکاف‌های عمیق نیازمند گفت‌وگو، درک متقابل و سازش است. اگر این وضعیت در جامعه آمریکایی ادامه پیدا کند، احتمالاً این کشور با چالش‌های جدی‌تری در آینده روبه‌رو خواهد شد:

**نمونه‌ها**

جمهوری‌خواهان معمولاً طرفدار کاهش مالیات، محدودسازی دولت فدرال و سیاست‌های محافظه‌کارانه اجتماعی هستند.

دموکرات‌ها بیشتر بر افزایش مالیات برای ثروتمندان، گسترش خدمات دولتی و سیاست‌های لیبرال در حوزه اجتماعی تأکید دارند.

### رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی

رسانه‌ها به یکی از اصلی‌ترین عوامل دوقطبی شدن در آمریکا تبدیل شده‌اند.

**نمونه‌ها**

**فاکس نیوز و راست‌گرایان:** اطلاعات و دیدگاه‌های محافظه‌کارانه را تقویت می‌کنند.

**سی‌ان‌ان و ام‌اس‌ان‌بی‌سی:** بیشتر به نفع دمکرات‌ها و لیبرال‌ها گزارش می‌دهند.

شبکه‌های اجتماعی مانند توییتر، فیسبوک و تیک‌تاک نیز به بستری برای انتشار اطلاعات غلط و ایجاد شکاف‌های اجتماعی تبدیل شده‌اند.

### انتخابات و تقلب انتخاباتی

پس از انتخابات ۲۰۲۰، اختلافات درباره مشروعیت انتخابات به یکی از مهم‌ترین عوامل دوقطبی شدن آمریکا تبدیل شد.

**دیدگاه‌ها:**

دمکرات‌ها معتقدند که انتخابات آزاد و منصفانه برگزار شد و هرگونه ادعای تقلب بی‌اساس است.

جمهوری‌خواهان (به‌ویژه حامیان ترامپ) معتقدند که انتخابات ۲۰۲۰ دستکاری شد و باید تغییراتی در سیستم رأی‌گیری ایجاد شود.

این موضوع پس از حمله به ساختمان کنگره در ۶ ژانویه ۲۰۲۱ به اوج خود رسید.

### سیستم بهداشت خصوصی در مقابل سیستم عمومی

یکی از اصلی‌ترین اختلافات در سیاست بهداشتی آمریکا سیستم بهداشت خصوصی در مقابل سیستم بهداشت عمومی است.

**حامیان سیستم بهداشت عمومی:** جناح‌های چپ‌گرا و برخی از گروه‌های سیاسی مترقی معتقدند که بهداشت باید به عنوان یک حق عمومی در نظر گرفته شود و تمامی شهروندان باید به صورت مساوی به خدمات بهداشتی دسترسی داشته باشند، بدون اینکه نگرانی از هزینه‌های بالا داشته باشند. این گروه‌ها اغلب از برنامه‌هایی مانند مدیکر برای همه (Medicare for All) حمایت می‌کنند که هدف آن ارائه پوشش بهداشتی برای تمامی شهروندان بدون توجه به وضعیت مالی آنهاست.

**حامیان سیستم بهداشت خصوصی:** جناح‌های راست‌گرا و گروه‌های محافظه‌کار بر این باورند که سیستم بهداشت باید به بازار آزاد و رقابت بین شرکت‌های بیمه‌ای واگذار شود. آنها معتقدند که سیستم بهداشت عمومی می‌تواند به افزایش هزینه‌های دولتی و کاهش کیفیت خدمات منجر شود. آنها همچنین بر این عقیده‌اند که هر فرد باید مسئولیت انتخاب و پرداخت هزینه بیمه خود را بر عهده بگیرد و دولت نباید در این زمینه مداخله کند.



## مهاجرت در آمریکا از بی‌قانونی تا قوانین سخت‌تر

آمریکا از آغاز تأسیس خود در سال ۱۷۷۶ تا اواخر قرن نوزدهم، قوانین مهاجرتی زیادی نداشت و بسیاری از افراد از سراسر جهان به این کشور مهاجرت می‌کردند. در سال ۱۹۲۴، آمریکا نخستین قانون مهاجرتی خود را تصویب کرد که به موجب آن، تعداد مهاجران هر کشور براساس جمعیت آن کشور تعیین می‌شد. این قانون مهاجرت از برخی کشورها به‌ویژه از آسیای جنوبی و شرقی را محدود می‌کرد و سیاست‌های نژادی را به وضوح در بر می‌گرفت. قوانین مهاجرت در آمریکا در دهه بعد محدودتر و سخت‌تر شد.

### سقط جنین

سقط جنین یکی از جنجالی‌ترین موضوعات در سیاست آمریکا است.

**دیدگاه‌ها**

لیبرال‌ها و دموکرات‌ها معتقدند که حق سقط جنین بخشی از حقوق زنان است و باید قانونی باشد.

محافظه‌کاران و جمهوری‌خواهان اغلب معتقدند که جنین از لحظه لقاح دارای حقوق است و سقط جنین باید محدود یا ممنوع شود.

اختلافات بر سر این موضوع پس از لغو رأی تاریخی رو در برابر وید (Roe v. Wade) در سال ۲۰۲۲ توسط دیوان عالی، به اوج خود رسید.

### کنترل اسلحه

کنترل اسلحه از دیگر موضوعات بحث‌برانگیز در آمریکا است که به‌شدت به دوقطبی شدن جامعه دامن زده است.

**دیدگاه‌ها**

دمکرات‌ها طرفدار قوانین سخت‌گیرانه‌تر برای خرید و مالکیت اسلحه هستند.

جمهوری‌خواهان معتقدند که حق حمل سلاح، مطابق متمم دوم قانون اساسی، نباید محدود شود.

هر بار که یک تیراندازی دسته‌جمعی در آمریکا رخ می‌دهد، این اختلافات شدت می‌گیرد.

### سیاست‌های فرهنگی و جنگ‌های هویتی

آمریکا در سال‌های اخیر شاهد افزایش جنگ‌های فرهنگی بوده است.

**نمونه‌ها**

**مسائل جنسیتی:** برخی ایالت‌های جمهوری‌خواه قوانینی برای محدودسازی آموزش مسائل جنسیتی در مدارس تصویب کرده‌اند که دمکرات‌ها آن را تبعیض‌آمیز می‌دانند.

**تئوری انتقادی نژاد (Critical Race Theory – CRT):** جمهوری‌خواهان مخالف تدریس این نظریه در مدارس هستند و آن را شست‌وشوی مغزی کودکان می‌دانند.

### نژادپرستی و جنبش‌های عدالت اجتماعی

نژادپرستی و نابرابری‌های نژادی از مسائل دیرینه در آمریکا هستند که اخیراً باعث افزایش دو قطبی شده‌اند.

**نمونه‌ها**

**جنبش جان سیاه‌پوستان مهم است (Black Lives Matter – BLM):** پس از قتل جورج فلوید در سال ۲۰۲۰، این جنبش به شدت گسترش یافت و در مقابل، گروه‌های محافظه‌کار، جنبش حمایت از پلیس (Back the Blue) را راه‌اندازی کردند.

جمهوری‌خواهان معمولاً از پلیس حمایت و تأکید می‌کنند که جنبش‌های اعتراضی گاهی باعث خشونت و آشوب شده‌اند، در حالی که دموکرات‌ها تأکید دارند که پلیس باید پاسخگو باشد و اصلاحاتی در سیستم اجرای قانون صورت گیرد.

### تغییرات اقلیمی و سیاست‌های محیط‌زیستی

اختلاف بر سر تغییرات اقلیمی نیز یکی دیگر از عوامل دوقطبی شدن در آمریکا است.

**دیدگاه‌ها**

دمکرات‌ها بر اهمیت اقدام علیه تغییرات اقلیمی تأکید دارند و خواستار کاهش انتشار کربن و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر هستند.

بسیاری از جمهوری‌خواهان تغییرات اقلیمی را اغراق‌شده می‌دانند و نگران هزینه‌های اقتصادی سیاست‌های سبز هستند.

**نمونه‌ها**

**توافق پاریس:** بایدن آمریکا را دوباره به توافق آب و هوایی بازگرداند، در حالی که ترامپ از آن خارج شد.

**صنعت نفت و گاز:** جمهوری‌خواهان از گسترش حفاری نفت حمایت می‌کنند، در حالی که دمکرات‌ها خواستار محدودسازی آن هستند.

### مشارکت نظامی و سیاست خارجی

اختلافات داخلی در مورد میزان و نوع مشارکت آمریکا در جنگ‌ها و درگیری‌های خارجی نیز یکی از مسائل دوقطبی شده در آمریکاست. برخی از مردم خواستار سیاست‌های خارجی مداخله‌گر هستند، در حالی که دیگران به سیاست‌های عدم مداخله و کاهش حضور نظامی آمریکا در کشورهای دیگر اعتقاد دارند. به واقع یکی از مهم‌ترین موضوعات دوقطبی در سیاست خارجی آمریکا، میزان و نوع مشارکت در جنگ‌ها و مداخلات نظامی خارجی است. این اختلافات به ویژه بعد از جنگ‌های پرهزینه‌ای مانند جنگ عراق (۲۰۰۳) و جنگ افغانستان (۲۰۰۱) که منجر به کشته شدن هزاران نفر و هزینه‌های سنگین مالی شد، برجسته‌تر شده است.

**حامیان مداخلات نظامی:** برخی از جناح‌های سیاسی و گروه‌های محافظه‌کار به شدت از مداخلات نظامی حمایت می‌کنند و معتقدند که آمریکا باید به عنوان یک قدرت جهانی در عرصه بین‌المللی فعال باشد، به ویژه برای جلوگیری از تهدیدات جهانی مانند تروریسم یا نفوذ قدرت‌های رقیب (مانند چین یا روسیه). این گروه‌ها معتقدند که حضور نظامی آمریکا در کشورهای مختلف ضروری است تا امنیت ملی و منافع جهانی ایالات متحده تأمین شود.

**مخالفان مداخلات نظامی:** در مقابل، جناح‌های لیبرال و طرفداران سیاست‌های عدم مداخله به شدت مخالف حضور نظامی آمریکا در دیگر کشورها هستند. این گروه‌ها بر این باورند که آمریکا باید به جای جنگ و مداخلات نظامی، به حل مسائل از طریق دیپلماسی و همکاری‌های بین‌المللی بپردازد. آنها جنگ‌ها را پرهزینه و بی‌نتیجه می‌دانند و معتقدند که این جنگ‌ها به جای تأمین امنیت، بحران‌های انسانی و اقتصادی را تشدید کرده‌اند.

### پول در سیاست

تأثیر پول در سیاست، به ویژه در قالب لابی‌ها و کمپین‌های انتخاباتی، به یکی از موضوعات حساس تبدیل شده است. گروهی از مردم معتقدند که تأثیر پول در سیاست فسادآور است و باید محدود شود، در حالی که دیگران این تأثیر را جزئی از آزادی بیان و مشارکت سیاسی می‌دانند. در مجموع، نقش پول در سیاست باعث ایجاد شکاف‌های عمیق در جامعه آمریکا شده و موجب می‌شود که بسیاری از مردم احساس کنند که سیستم سیاسی دیگر به نفع آنها عمل نمی‌کند، بلکه بیشتر به نفع گروه‌های خاص و پول‌داران است.

گروه‌های ثروتمند و نهادهای تجاری بیشتر به دنبال کاهش مالیات و کاهش نظارت‌های دولتی هستند، در حالی که گروه‌های دیگر خواستار مالیات بیشتر برای ثروتمندان و اصلاحات اقتصادی هستند تا عدالت اجتماعی و اقتصادی بیشتری ایجاد شود. این اختلافات اقتصادی و اجتماعی باعث شده که سیاست آمریکا به شدت دوقطبی شود و مردم در برابر یکدیگر صف‌آرایی کنند. در این شرایط، هر گروه از نظر سیاسی و اقتصادی به دنبال بهره‌برداری از منابع مالی خود است تا نظر خود را در سیاست‌های کشور به کرسی بنشاند.

## رسانه‌های آمریکایی و دمیدن بر آتش دوقطبی

رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در دوقطبی شدن آمریکا نقش بسیار مهمی ایفا کرده‌اند. این رسانه‌ها با توجه به تاثیرات گسترده‌ای که بر نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی دارند، به عاملی تعیین‌کننده در شکل‌گیری، تقویت، و گسترش دوقطبی‌ها تبدیل شده‌اند. رسانه‌ها به‌ویژه در سال‌های اخیر، به شکلی گسترده و بی‌سابقه به دو قطبی شدن سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آمریکا دامن زده‌اند. در این بخش با استناد به گزارشی از انجمن جامعه‌شناسی آمریکا، نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در فرایند دو قطبی شدن را مورد بررسی و توجه قرار خواهیم داد:

### تخصصی شدن رسانه‌ها

یکی از عواملی که به شدت بر دوقطبی شدن در آمریکا تأثیر گذاشته، تخصصی شدن رسانه‌ها است. رسانه‌ها به‌طور فزاینده‌ای به سمت ایجاد محتوای ایدئولوژیک و طرفدارای از گروه‌های خاص سیاسی تمایل پیدا کرده‌اند. این اتفاق باعث شده که مردم بیشتر در معرض محتوای هم‌سو با باورهای خود قرار گیرند و از شنیدن دیدگاه‌های مخالف خودداری کنند. رسانه‌های محافظه‌کار مانند فاکس نیوز به ترویج دیدگاه‌های جمهوری‌خواهانه و محافظه‌کارانه می‌پردازند. این رسانه‌ها به‌شدت بر امنیت ملی، مهاجرت، مالیات‌ها و انتقاد از سیاست‌های دولت‌های دمکرات تمرکز دارند. رسانه‌های لیبرال مانند سی‌ان‌ان یا نیویورک تایمز از دیدگاه‌های دمکرات‌ها و چپ‌گرایان حمایت می‌کنند و مسائل اجتماعی و اقتصادی مانند حقوق بشر، تغییرات اقلیمی، و اصلاحات بهداشتی را در اولویت قرار می‌دهند.

این تمایل به انتشار محتوای یک‌جانبه و هم‌سو با ایدئولوژی‌های خاص باعث می‌شود که مخاطبان فقط دیدگاه‌هایی را بشنوند که با باورهایشان سازگار است و این به شدت دوقطبی شدن را تشدید می‌کند.

### افزایش شکاف در میان مخاطبان

رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به‌ویژه در تقسیم‌بندی مخاطبان خود به گروه‌های مختلف کمک کرده‌اند. به جای اینکه مردم به منابع مختلف خبری رجوع کنند، بسیاری از افراد فقط از رسانه‌هایی استفاده می‌کنند که نظرهای مشابه به نظر ایشان را منعکس می‌کنند. این فرایند محتوای موافق‌محور را به وجود می‌آورد. در این فضاها، اطلاعات و اخبار فقط در دایره‌ای از افرادی که نظرات مشابه دارند، تبادل می‌شود. کاربران شبکه‌های اجتماعی یا تماشاگران تلویزیونی که از رسانه‌های خاص استفاده می‌کنند، بیشتر با اطلاعاتی که دیدگاه‌های سیاسی یا اجتماعی مشابه خودشان را تأیید می‌کند، مواجه می‌شوند. این تأکید بر پیام‌های مشابه باعث می‌شود که افراد تنها از زاویه‌ای خاص به مسائل نگاه کنند و از دیدگاه‌های مخالف بی‌اطلاع بمانند.